نام آوران این فهرست پیدا نکردهاند در این

۰ ساس... حضور ابراهیم حاتمی کیا در کاخ جشنواره فیلی ها را دوان دوان کرد. سارک کشیدم

طرف هیاهو، چه شور و هیجان و علاقهای مروج میزد در آن نقطه از سالن انتظار. باریکشدن در رفتارها از نقطهای دوردست

بریت سان داردست دارم. نه از روی بدجنسی و خلوت را دوست تجسس و تفحص در احوال آدمها. راستش با دقت و حساسیت آدمی که

ا کرد اصلاح رفتار در مناسبات اجتماعی را از طریق باریکشدن در رفتار آدمهای پیرامون یاد

.ر. می گیرد. به مصداق «ادب از که آموختی...» از یک فاصله دور و دقت در جزییات کنش

و واکنشها به سادگی میشبود خوب و بد و وانتشاه به سادی می سود حوب و بد رفتارها را سنجیدو درس گرفت. در همین گیرودار تصاویر آشنایی در قاب ذهنم دوید. دو همکار متصل به جریان اپوزیسیون فصلی هنر بیش از همه آویزان و هیجان زده

سدند حند ماه

. ـــر می رسیدند چند ماه پیش در آن جریان پر سر و صدای کُل کُل میان عباس کیارستمی و ابراهیم حاتم ۱۱.۲۰۵۰

کیارستمی و ابراهیم حاتمی کیا یادداشتی مشفقانه و احترام آمیز داشتم که این دو هنرمند عزیز را به آشتی و رفع سوءتفاهمها

توقع نداشــتــــ بابد بکے

رے مستقیم...بیدیکی امثال این آقای حاتمیکیا را بیــدار و هوشــیار کند.

چُرا ایسنُ همسه مهربان و مصلحتاندیسش؟ تــو که

اهل سازش نبودی! آن

روز گفتم: من هم أز شما

تعجب مي كنــم، تا همين

دوسال پیش بسیاری از مانقد و نوشتارهای

تحسین آمیز درباره ابراهیم حاتمی کیا نوشتهایم و اگر

یایش بیفتد در آینده هم خواهیم نوشت. پیس بیصد در کنار از عقلانیتی است که این چه روحیه بر کنار از عقلانیتی است که توقع دارید به بهانه یک اظهار نظر در شسرایط

هیجانی هم علاقه و هم احترام گذشته را زیر پا بگذارم. با ورود به این بازی هیجان و هیاهو

و نفی تام و تمام سابقه حاتمی کیا درواقع و سی دم و ستقلال حرفهای خودم را زیرسوال هویت و استقلال حرفهای خودم را زیرسوال میبرم. درحالی که کیارستمی و حاتمی کیا را

هنوز به یک اندازه دوست دارم... نمی دانــم این رفقــا چــه گپوگفتی با

حاتمی کیا دائستند؛ اما از همان فاصله هم پیدا بود که رنگ دادهاند به یک رنگ جدید!

سه حت مستنده سرامراه مسان عدر به بیر به منابع آرشیوی داشت به همان اندازه به همکاری نهادها و ارگانها و مسئولان

مرتبط با این موضوع در دولت های مختلف نیاز داشت، البته برخی از آنها ترجیح دادند،

علاوه بر مردم فرصتي مناس

ب برای نمایش

چەزودفراموشمىكنىم

تا این جای کار می توانست مقبول و موجه دعوت می کـرد. همین دو رفیـق هیجان زده باشد. انسان اهل فخر و اددیشه با فرار از دایره و آویــزان حاتمی کیـــا آمدند کــه فلانی از تو

در این ۳۳سال از عمر پربر کت جشن...انگار هیچ

بنی بشری از جامعه هنر این دیار درک و سواد و تمییز

و تشخیصی تازیر زانوی

نام آوران این فهرسد نکردهاند

بادداشت منتقد

گفتوگو با مصطفی کیایی:

سوژه «عصر یخبندان» فقط مختص ایران نیست

فرنوش ارسخانی-شــهروند|مصطفی کیایی یکی از کارگردانان جوان و خوشفکر سینمای ایران است کهباساخت فیلم «ضدگلوله» و «خطویژه» به یکی از پدیدههای سینمای ایران تبدیل شدویژگی اصلی فیلمهای او به داستان های بکر ــرت - تا و تازەاش برمى گردد كەبدون شكــيكى از تأثير گذار ترين علت موفقيت فيلمهايش نيز هست.اوا گرچەبە تاز گى در سينماى ایران به فعالیت می پردازد، اما همین حضور اندک، او را تبدیل به کار گردان صاحب فکر و صاحب سبکی کرده که تقریبااین روزها آرزوی هربازیگری کار کردن بااوست.

ایدهاولیه «عصریخبندان» دقیقااز کجاشکل گرفت و آیابعداز «خطوییژه»بهطرح و داستان این فیلم

مناسفانه بنا به دلایلی شُــُخَمی آن را کنار گذاشتم و سراغ فیلمنامه دیگری رفته داستان اصلی این فیلمنامه، مربوط به آدمهایی در اطرافم بودند که احساس کردم اتفاقات و قصه زندگی آنهاویژگی هایی دارد که می تواندیک خط درام خیلی

كدام يسك از پرسوناژهاى فيلم را مطابق با آن بابکوهمسرشمنیره.

شما یکی از کارگردانان جوان سینمای ایران هستید که سوژه های اجتماعی والبته کنجکاو برانگیز برایتان

مارزمهی بسمه ای این ویژگی سینمای شماست حائزاهمیت هستند. آیااین ویژگی سینمای شماست وازاین به بعدنیز قرار است این رویه ادامه پیداکند؟ همیشه معمولا سوژه ومسأله اطرافه مراتحریک به نوشتن می کنند سوژه مهم ترین چیزی است که حتی تصمیم گیری برای فیلم بعدی را مشخص و تعیین می کند کــه به کدام سهت بروم از طرفی معتقدم هر چقدر هم درباره مسائل اجتماعی فیلم ساخته شود، کم است. فکر می کنم سوژههای بسیار زیادی در این ژانر وجُود دارند؛ مسائلی که ممکن است مبتلایان زیادی نیز داشته باشد.

جامعیت موضوع این فیلم نیز به شکلی است که اتفاقات آن فقط مختص به جامعه خودمان نیست و مفاهیم و موضوعات آن دغدغه کلی و فراگیری است که شرایط سالهای اخیر در جهان نشان داده و محدودیت در آن امکان پذیر نیست.

بحث مسائل اخلاقي وموادمخدر كهدر اين فيلج مطرح شده، . بحثهایی هستند که کل جهان را مورد تهدیدقرار داده است. از این نظر اهمیت این موضوع فقط مختص به ایران نیست.

زهرانجفی-شهروند|کاوهابراهیچپور،بافیلمساده

و خُوسُساخت «یحیی سکوت نکرد» دُر بخش هنر و تجربه سی وسسومین جشسنواره فیلم فجر حاضر شده، درواقع اوبا «یحیی سکوت نکرد» بهعنوان نخستین فیلم

برادس و به علی سورت درسی و از دحیطه کار گردانی شد. این فیلم در آخرین سانس پنجشنبه ۲۶ بهمن به نمایش در آمد و انتظار نمی رفت که تماشــاگر ان زیادی

را به خود جلب کند؛ اما «یحیی سکوت نکرد» توانست مخاطبان را تا آخرین ساعات شب در سالن نگه داردو با

تشویقهای پیاپی مخاطبان روبه روشد. به همین دلیل با کاوه ابراهیم پور، کارگردان این فیلم به گفت و گونشستیم

که درادامه می خوانید. فیلمنامه «یعیی سکوت نکرد» دارای چه ویژگی هایی بود که آن را برای کار گردانی اولین

فیلمبلندتان/انتخاب کردید؟ وقتی که برای نخستین بار داســـتان یکـخطی فیلم

ر بعداز سالها دنبال طرح گفت: به هوان بعداز سالها دنبال طرح گفت: ن فهمیده بودم که هر داستانی ارزش فیلمشدن آن هم بهعنوان فیلم اولم راندارد. طرح «یحیی سکوت نکرد» در عین سادگی، بسیار چالش برانگیز بود و روی نکاتی از زندگی دست

می گذاشت که می تواندنسل های مختلفی را جذب کند. «یحیی سکوت نکر د» داستان تنهایی آ دم هاست، تنهایی که به واسطه شرایط اجتماعی به آ دم ها تحمیل می شود

و نــه انتخاب خُودشــان، آدم هایی با آرزوهـــا و رویاهای تحقق نیافته و تاریخ مصرف گذشته. داستان خطی فیلم

روایت کشف و شهود دنیای بزر گسالی توسط کودکی ۷

ساله است که توسط پدرش به عمه سپرده شده، عمه ای که تابه حال ندیده و نمی شناخته. این جست وجوی

فودواطرافیانشرادچار تلاطم شدیدی می *کند.* «یحیی

ت و همکارم مازیار حبیبینیا که سردبیر مجله

اخيرتان نقش بسيار مهم وبسيزايي دارند با توجه به این که در فیلم قبلی تان تکلیف این ش بازی سسم قریبینان از به سماب سخت سید. ولی در این فیلم پایان داستان او (با بازی بهرام رادان) را خودتان مشخص می کنید. این انتخاب یک تصمیم کاملااحساسی بود یافیلمنامه ایجاب می کرد کهبه این

ر دیای این نوع آدمها در تمام دنیا وجود دارد. آدمهایی که دستشان به مرکز قدرت نزدیک است واز روابط و مسائل شان استفاده می کنند تا برای خودشان فرصتهای خاصی را به وجودبیاورند فکر می کنم که این هم جزوهمان مسائلی است که تا حدودی بحثاش فراگیر است. اما اتفاقی که برای این شخصیت در فیلم می افتد، بحثی هست که باید از سوی خود جامعه شكلُ بگيرد تابافسادويي اخلاقي و .. مبارزه شُود. اينَ تلاطم و جوشش نيز بايداز دل مردم به وجود بيايد. شايد اين یک مقدار سمبولیک باشد ولی بحث این است که خودما هم باید به فکر باشیم تا جامعه جلوی این قبیل معضل هار ابگیرد. غابراین این نوع پایان بندی به ریشه کن شدن این قضیه (در

۰۰٬۰۰۰ برخلاف «خطویژه» که قصهای یک خطی داشـ ر و مصریخبندان با یک قصه غیرخطی همراه هستیم که تا حدودی فرم و روایت آن نسبت به فیلم

قبلی تان نیسز فرق می کند. چطور شسد کسه این فرم كاراكتسر آقازادهها واشسخاص دولتسى در دو فيلم را برای «عصر یخبنــدان» انتخاب کردیــدو حتی در .ر. .کانسهاییهمازفلاشبکاستفاده کردید؟ نمى توان گفت فلاش بک، چون به روایت غیر خطی بیشتر نزدیک است. در این فیلم قصالی را بــا چند موضوع و قصه فرعی دنبال می کنیم که همه مثل یک نخ تسبیح به همدیگر

وصل میشوند. بااین کار احساس می کردم که به جذابیت وسل می سود... بین ر فصه بیشتر کمک کردهام و با کشف و شهودی که در مخاطب نوع پایان بندی و مرز برسید؟ به وجود می آید به اهمیت این موضوع بیشــتر دامن زدم به نظرم این نوع روایت انتخابی بودبرای جذاب کردن موضوع. در مقابل اگر به این مسأله بیشتر توجه می کردید هم امکان داشــت کــه مخاطب با یک نــوع ابهام و پیچیدگیمواجهشود. ین خیلی نگران این قضیه نبودم چون خوشیختانه هو به

جاهایی که یک نقطهای از این قصه را دیده است. برای این فیلم به سراغ بازیگران تجاری رفته اید كه اغلب با حضور شان در فيلم ها به گيشه نيز كمك

میں ہیں۔ رہیں۔ هوش مخاطب ایرانی اعتقاد دارم و هم به نظرم الان مخاطب ا ديدن فيلمهاي روز دنيا ديگر مي تواند بااين نوع فيلمهاار تباط برقرار کند.البته ماکدهایی را در این فیلم -چه در فیلمنامه و چه در دکوپاژ-گذاشته بودیم تا مخاطب سریع رجوع کند به

وگرنه ما در این فیلم هیچ تلاش و دیالوگ خندهدار یا لحظُه کمدی که در راستای درام نباشد رااصلا خلق نکر دیم کر دهاند. استفاده از بهرام رادان و مهتاب کرامتی برای رسیدن به این امر بود؟

اسم عوض کردن را همیشه شرافتمندانه تر از رنگ عوض کردن میدانیم. در گپوگفتهای دوستانه و

اظهار نظر هـای گفتـاری- نوشــتاری در

رب رکی ر رســانه های مختلـف هــم همواره بــر این صل پافشــاری کرده ام. از اوایــل دهه ۷۰

به علت برخی گرفت وگیرهای حرفهای مجبور بودم پای نوشتارهای رسانهای را با چند نام مستعار امضا کنم. در پاسخ به

تمام باورهای دیروز نزدیک؛ جایگاه پابرجا و محکمی در مناسبات جدید سیاسی و فرهنگی بهدست آوردهاند. نان به نرخ

ر ر ر کی. روز میخورند و این تغییر مشــی و منش و چرخش ۱۸۰ درجــهای در پایگاه فکری و

گرایشی را امری طبیعی و همگامشدن با الگوهای عصر و نسل جدید تفسیر می کنند.

. افكار كهنــه و ناكار آمد و شــناخت الگوهــاي

، مختار به انتخابهای

تــازه و نفــی باورهای گذشته اســت. اما این

تغییر و جابهجایسی وقتی همر چند سمال

یکبار و همجهت با

اتفاق بیفتــُد، رُبطی به نوزایی در پایــگاه فکری و تغییر جهان،ینی

ندارد. یک جــور فرصت طلبی و بادبان به باد شرایط سپردن است و گویا صاحبان رأی و

نظر در حوزههای فرهنگ و هنر هم مشکل چندانی با وابستگان قبیله مهدی هفترنگ ندارند. اگر داشتند که یک فهرست تکراری

و همیشگی از این قبیله جایگاهی دو پُله

داُوری و سُـردمداری جشــنواره فیلم فجرُ به نام نامیشــان ســند نمیخورد. در این

به ناوری و مسرده نمیخورد. در این به نام نامی شان سنند نمیخورد. در این ۳۳ سال از عمر پربر کت جشن... انگار هیچ بنی بشـری از جامعـه هنر ایــن دیار درک

۔ درمیان از هیاتهای متنوع انت

ش بعضی از همکاران اهل قلم به این پرسش بعضی از همکاران اهل فلم به این نکته اشاره می کردم. درحالی که می دیدم و می دانستم برخی رفقای همکار و همسال بیک چرخش ۱۸۰۰ درجه ای و انکار تام و بایک چرخش ۱۸۰۰ درجه ای و انکار تام و این مسأله ممکن است که یک بخش کوچکی از اهداف مان باشد، ولی مهم ترین مسأله برایمان رنگ آمیزی و ترکیب آدمها در کنار هم بود. جدااز سختی هایی که در این بخش داشتیم اما فکر می کنم تر کیب بازیگران فیلم نیز تر کیب بدی نشده است. به نظرم بازیگران این کاریک انگیزه مضاعفی داشتند ست. به نظره پر زیدرس بین عاریت انتیان تافیلم به شکل خیلی خوبی در بیاید و زحمات بسیاری نیز در این مرحله کشیدند خانم کرامتی مدتها به کمپهای ترک عتيادرفت تاأدمهاى معتادرااز نزديك ببيندوباأنهاص كندوفكرمى كنم يكى ازدرخشان ترين بازى هايشان رادراين فیلم اُنجامُ دادند. فرهاداصُلاتی هم از جَمله بازیگرانی اُستُ که فکر می کنم هر بازیگری کار کردن بالوبرایش یک نعمت است. او بسیار بازیگر حرفهای و در خدمت کار گردان و بر انده است. و بسیار بازید از عرصی و از مست در طرحی و پرید. همین طور خانم دولتشاهی که برای ایفای نقش را در این فیلم زحمات بسیار زیادی کشید. من بخشی از حال و هواو حس فیلم رامدیون ارایه خوب بازیگران و همچنین بچه های پشت دوربین نیز هستم به نظرم یک عزمی در این گروه بود که همه تلاش مى كردندان چيزى كه در فيلمنامه هست رابابهترين

۔ این فیلم بااین که یک اثر کاملااجتماعی است اما ی بلانهای آن رگههای طنزی دارد. استفاده ای بلانهای آن رگههای طنزی دارد. استفاده ای کمسدی در فیلمهایتان به خاطس گرفتن تلخىهاىداستانونيزخنثىكردن أنهاست؟ من اصلاهيچ تلاشىي نكردم كه اين فيلم طنز باشد

اگر لحظاتیی در این فیلم خُنده آور است شاید به خاطر موقعیتهایی است که آدمها در آن قــرار می گیرند. گاهی ت که آدمها در آن قسرار می گیرند گاهی لحظات طنز از دل برخــی از موقعیتهای جانبی در می آید. مثلا سعیدُ (بابازی محســُن کیایی) در داستان ما شغلش این اسـت که در طرح ترافیک می ایســتد تا خودروهایی که پلاکشان متناسب نیست رارد کند. این مسأله در جامعه ما زیاد است و من از روی واقعیت آن را نوشتم. حالا فکرش را . بکنید که چنین چیزی را در سینما ببینید، خب قطعا برای جبور است برای گذراندن زندگی اش این کار راانجام ده اینهاموقعیتهاییهستندکه حتی اگر در جامعه با آنهامواجه شوید خندهدار به نظر میرسـند فکر میکنم نزدیکـبودن سریه برخی از سکانسهای فیلم به طنز، بیشــتر به نوع گزینش شــغلهاو آدمهایی که در آن زندگی می کتنــدار تباط دارد

أقاى تورج منصورى عزيز ومهربان پيشنهاد أقاى علم

فشين راد بودند که در ابتدای پیش تولید به عنوان دستیار

با من هَمُكارى مى كُردند. آقاى منصورى همان طور كهُ مىدانيدفيلمبرداربزرگومطرحسينماى ايران هستند

گفتوگو با کاوه ابر اهیم پور ، کار گردان فیلم «یحیی سکوت نکرد»

این فیلم درباره از دست دادنهاست



سکوتنکرد»دربارهاز دست شمادرنشستخبری

من کار تبلیغاتی و فیلیم کوتاه زیاد ساخته ام و به همین دلیل زیاد با بچه ها سروکار داشتم و می دانید که کار کردن با کودک در فیلم چقدر می تواند سخت و چالش برانگیز باشد و این نکته وقتی اهمیت بیشتری بیدا می کند که آن کودک نقش اول فیلم را بازی کند. ہـــ کی در در کرانہ کی مارید کی ماری ۔ ہار کرانہ کی مارید کی مارید کی میں تست گرفتہ، پس از او بالغ بر ۲۰۰ کودک همسن وسال

کار گردان فیلماولی راضی کنید؟ از همان ابتدای کار که طرح اولیه را برای تبدیل شدن به فیلمنامه به خانم طلامعتضدی سیر دم، در ذهنم برای نقش اول فیلم که همان عمه یحیی خردسال است، خانم معتمدار پارا تصور می کسردم و نکات ریز رفتاری و حتی

۔ تُخُبریفیلم تان گفتید کهبازیگر نقش یحیی را از میان ۲۰۰ کودک انتخاب کردید و واقعا بازی ماهان نصیری در این فیلم چشمگیر بود، درباره روندانتخاب اوبیشتر توضیح دهید.

او را دیدم و دوباره به ماهان برگشتم و او را برای نقش یحیی انتخاب کردم. ماهان فوق العاده است و چنان



و کارنامه در خشانی در فیلمبرداری و همکاری با بزر گار، این هنر دارند. بعداز خواندن نقش افتخار دادندو با پروژه همکاری کردندو بااین که نقش کوتاه بازی کردن به نظر بازی زیر پوستی و احساسی از خود نشان داد که در کمتر بازیگر بزرگســـال مطرحی دیدهام. هیچوقت د من سخت تر از نقُش بلند است، ایشان به واسطه اشراف کاملی که به مقوله سینما دارند، بسیار از عهده آن خوب زمان فیلمبر داری مجبور نشدیم به خاطر ماهان یک ر کی میکند. پاکن را تکــرار کنیم و با این که اکثــر پلان ها به صورت سکانس پلان گرفته می شد و طولاتی و بدون قطع بود، ست. تینا پاکسروان پیـش از این مدیر طــرح و مدیر ماهان ذرهای اشتباه نمی کرد و در عیسن حال راکورد حسی را به بهترین نحو حفظ می کرد. فاطمه معتمد آریا، بازیگر گزیده کار و توانمندی است، هر چند فیلمنامه کار قوی بــود، اما چطور توانستید اور ابرای بازی در فیلمتان به عنوان یک

تکیه کلامهای ایشان را در سناریو می گنجانده، درواقع هیچ گزینه دیگری برایم متصور نبوداوقتی که فیلمنامه

بلافاصلەنقشراپذيرفتندونگرانىءظيمىراازدوشمن

برداشتند خانم معتمدأريا كهبه حق لقب بانوى سينماى

ایران را به ایشان دادهاند به معنای واقعی کلمه یک انسان

ایشان نه تنها در نقش خوش در خشیدند و تصویر متفاوتی از خود ارایه دادند که یاور بسیار خوبی برای من در امر بازی گرفتن از نقس کودک فیلم داشتند و حتی در

ب ر س ر کر کر سمتهایی پیشنهادهایی برای بهتر شدن ریتم فیلم چه اتفاقی افتاد که ایرج منصوری که ما بیشتر

په ختی که دیگری محصوری که ها و به عنــوان مدیــر فیلمبــرداری می شناســ فیلمتان بازی کرد؟

. تند. خلاق، باانرژی و بدون کُوچکترین حاشیهای.

راب خانم معتمدآر با بیشینهاد کردم ب

ب إ: مطالعه

تولید چند پروژه بروده و در فیلم شما برای اولین بار تهیه کنندگی را تجربه کرده است. او چطور تهیه کننده ای است؟ چون به نظر می رسد، لوکیشنهای فیلمتان کمهزینه هستند، آیا این ر موضوع بهخاطر فیلماولی بودنتان اســت یا قص ایجاب می کرد از لو کیشینهای محدود استفاده .. تینا پاکــروان دوســت قدیمی و همکلاه

دانشکده سینما بود و سال هاست که همدیگر را می شناسیم و به خصوصیات اخلاقی و کاری یکدیگر آشنا هستيم. پاكروان درواقع قبلاهم كارتهيه كنندگى و توليد ۱۳۰۱ برای کرد ترکی که ۱۳۰۰ برای در ۱۳۰۰ بسیار انجام داده است و اشراف کامل به مقوله دار دو دارای توانایی کامل است. داستان فیلم «یحیی سکوت نکرد» فیلهآ پارتمانی یاد می شود، نبود. اتفاقاً برای رسیدن به شرایط ایدهآل فیلمنامه ما مجبور شدیم که تغییرات ساختاری عمدهای در خانه قدیمی که لوکیشنمان بود انجام دهيم و ديوارهايي اضافه يا حذفُ كني راەپلەبەزىرزمىنى بسازىم كەقبلادرمعمارى خانەوجود نداشت اقای علی عابدینی، طراح صحنه توانا و باسابقه سینماهم که اتفاقا خیلی کم کار و سخت پسندهستند، در این امر مهم یاور فیلم بودند.

گزارشیاز ساخت یک آزادراه

سعى كردم بىطرفانه مستند گزارشي سرنوشــتُ سُــاختُ آزادراه تهران - ُشُمال ازم اما به هر حال مردم باید بعد از تماشای فيلم قضاوت كنند كـه آيا به سوالاتشان درباره این آزادراه پاسخ داده شده است یا نه؟! اما تأکید می کنم که من همه تلاشم را

دو فیلم قبلی ام «انتهای خیابان پاستور» و «صندلی ۲۵۷» جنجالی نیست ولی چون سـوژه ملتهبی اسـت آن را دوسـت دارم و به خاطر نوع سـوژه که بخش زیادی از مخاطبان را در گیر می کنـد، قطعا فراگیر اسـت. به هر حال مردمی که تعدادشان کم هم نیستند و ترافیک جاده شمال را هم تحمل کردند و مى كننــد، علاقهمند هســتند بدانند تا چه



انجام دادم تا راوی صادقی باشم. قطعا ســوژه آزادراه تهران ــشــم مقابل دوربین قرار نگیرند و سکوت کنند. به هر حال مستند «آزادراه» قرار نیست نتیجه گیری بکند که ایس آزادراه چه زمانی گزارشـــی صُرف و بــدون هیچ جانبــداری از سرنوشت ساخت این آزادراه باشد و امیدوارم ان میان مسئولان مرتبط با این موضوع فراهم شود و آنها این مستند را ببینند. شاید کمکی شود تا هر چه زودتر این آزادراه

ر کی زمانی باید در انتظار ساخت این بزرگراه باشند. برای ســاخت این مســتند برخلاف دیگر



جشنواره از نگاه دوربین



لبخندصابرابر وشيرين يزدان بخش سوژه عكاسان جشنواره



ضايت خاطر ليلاحاتمي وعلى مصفااز فيلم دردنياى توساعت چنداست؟